ادامه از صفحه ۳

ایجاد محدودیت‌های قانونی بدون توجه به حقوق مردم

متأسفانه بعد از صدور این نظر برخی اشخاص به دلیل عدم اطلاع از مبانی موضوع یا عدم مشاهده نظر فقهای شورای نگهبان با شانتاژ و جنجال و سروصدا و حتی بعضا برخی افراد معلوم‌الحال، تحلیل‌های سیاسی ارائه دادند که به‌هیچ‌وجه ریشه در واقعیت نداشت؛ زیرا کاری که شورای نگهبان کرد مسلما بررسی وجوه شرعی مقررات و در راستای حفظ حقوق مردم بود. اگر کسی بخواهد این قضیه را نقد کند، در جواب باید گفت این مرجع مقرره‌گذار بوده که برای ساده‌کردن کار خود، سن قانونی برای خودرو را ملاک قرار داده است بدون اینکه توجه کند ممکن است استثنائاتی لازم باشد. در حقیقت قانون هیئت وزیران را مکلف کرده و آیین‌نامه نوشته است که خودروها بررسی شوند تا برای آلودگی هوا مشکلی پیش نیاید. این در شرایطی است که در کشورهای پیشرفته دنیا سن خاصی به عنوان ملاک فرسودگی خودرو و از رده خارج‌کردن آن در نظر گرفته نمی‌شود. بعضا می‌بینیم خودروهایی که برای ۵۰ سال پیش است ولی با یک موتور جدید و با یک مشخصات فنی قابل قبول در خیابان‌های کشورهای پیشرفته تردد می‌کنند و هیچ‌کس هم به این کشورها نمی‌گوید چرا وضعیت خودروها کنترل نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد اگر کسی بخواهد نقد شود، مقرره‌گذار است که بدون توجه به حقوق مردم کار ساده را انتخاب کرده و یک سن خاص برای از رده خارج‌کردن خودروهای فرسوده در نظر گرفته است. در واقع ماحصل نظر شورای نگهبان این است که نه‌تنها خودروهایی که به ۲۰ سال می‌رسند و آلاینده هستند، نباید در معابر تردد کنند و موجب آلودگی هوا و تضییع حقوق شهروندان شوند بلکه چه‌بسا لازم باشد جلوی تردد خودروهایی که کمتر از سن تعیین‌شده در آیین‌نامه را دارند و فرسوده هستند نیز گرفته شود و این کاملا در راستای حفظ حقوق مردم است.

***عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت‌مدرس**

ادامه از صفحه اول

روستای ابوالفضل، قیمت زمین و مبحث سلب مالکیت مردم

در اصل، افزایش قیمت زمین، انگیزه دانشگاه الزهرا و بنیاد مستضعفان و سازمان زمین شهری و شهرداری و سایر دستگاه‌ها و نهادهاست. چنین اقدامی مانند آن است که معامله‌ای میان دو فرد انجام شود و بعدا به‌دلیل افزایش قیمت، فروشنده در پی برهم‌زدن آن باشد. اعتراض‌نکردن نهادهای مذکور در سال‌های پیش‌تر، حاکی از رضایت آنان بوده است. بنابراین، از منظر اخلاقی، حق دبّه‌درآوردن ندارند. ثانیا، در مواردی مانند باغ‌ها و کافه‌رستوران‌های درکه، تلاش برای مالکیت‌زدایی، اقدامی کاملا غیرقانونی در جهت نقض حق مالکیت از مالکیت‌های مشروع مردمی سابقه‌دار است. چرا؟ چون در همه روستاها، اراضی و باغ‌ها طبق حق مالکیت مبتنی بر ریشه و نسق معنا دارد. بر مبنای این حق، اراضی، دارای شماره پلاک ثبتی و در برخی موارد مانند کافه‌رستوران‌های درکه دارای سند شش‌دانگ بسیار قدیمی هستند. به اعتبار این حق، این اموال نسل به نسل منتقل شده و در مواردی به افرادی دیگر فروخته شده است. در عین حال، در این موارد، حفظ منابع طبیعی بهانه‌ای بیش نیست. چراکه با سرمایه‌گذاری محیط‌زیست‌گرای مردمی و با زحمات فراوان، جاهای خشک و خاکی تبدیل به جلوه‌های سبز و زیبا شده‌اند. ثالثا، بسیار ناعادلانه است. چرا؟ چون برخوردنکردن با تصرف جنگل‌ها و دامنه کوه‌های غیرروستایی و سواحل دریاها به دست انواع نهادها و دستگاه‌ها در سویی و تلاش برای سلب مالکیت از افرادی که دارای یکی از وجوه بالا هستند در سوی دیگر، نشان‌دهنده مناسبات ناعادلانه است. چه باید کرد؟

۱. در مواردی مانند درکه که شامل حال حقوق مالکیت حاکم بر تمامی روستاها می‌شود، راهی جز ابطال سند صادرشده اخیر به نام سازمان زمین شهری و پذیرش حقانیت حق مالکیت مردمی وجود ندارد. بدون هیچ تردیدی، جعل سند روی سندها و پلاک‌ثبتی‌های سابقه‌دار، معنایی جز غصب غیرقانونی اموال مردم ندارد؛ تلاش برای پیشبرد خواسته غیرعرفی و غیرقانونی مذکور، قطعا نتیجه‌ای نخواهد داشت جز تکرار تنشی دیگر در ابعاد بالاتر.

۲. در مواردی نظیر روستای ابوالفضل که از سال‌های قبل و بعد از انقلاب شکل گرفته و به مرور آباد شده، بهتر است بنیاد مستضعفان، حتی در صورت صحت مدعایش، ارزش اولیه آن زمین‌ها را به حساب مالیاتی بگذارد که باید بپردازد . مورد دانشگاه الزهرا و ساکنان ده‌ونک، در قالب درخواست دانشگاه مبنی بر تخلیه به ازای پرداخت پولی به میزان صد میلیون تومان به هر واحد مسکونی، حل‌شدنی نیست. راه‌حل صحیح می‌تواند این‌گونه باشد: سرمایه‌گذاری مشارکتی میان دانشگاه، مالکان خانه‌ها و سرمایه‌گذار خانه‌ساز برای تبدیل منطقه به شهرک مسکونی. بخشی از زمین منطقه می‌تواند آزاد شود و به صورت پارک میان دانشگاه و شهرک، استفاده شود.

*** استادیار مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی**

اسماعیل سعادت، مترجم، ویراستار و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درگذشت

میراث گرانبهای سعادت

اسماعیل سعادت، نویسنده، زبان‌شناس، مترجم آثار فلسفی و ادبی، مدیر گروه دانشنامه تحقیقات ادبی فرهنگستان زبان و ادب فارسی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی صبح روز گذشته در ۹۵سالگی درگذشت. سعادت جزء آخرین نفرات بازمانده از نسل مترجمان و ویراستاران درخشانی بود که در شش دهه از عمر خود، آثار بسیار ارزشمند و دست‌اول را با نثری پاکیزه و منقح به مخاطبان فلسفه و ادبیات در ایران عرضه کرد. ترجمه‌های سعادت در زمینه فلسفه زبانزد استادان این حوزه است. ازجمله آثار اساسی او در این حوزه ترجمه برخی آثار ارسطو و اسپینوزاست. سعادت در جوانی جایزه بهترین ترجمه سال را برای ترجمه کتاب «زندگی میکل‌آنژ» رومن رولان گرفت (جایزه‌ای که زیر نظر پرویز ناتل‌خانلری اهدا می‌شد). او همچنین از همکاران احسان یارشاطر در بنگاه ترجمه و نشر کتاب بود. از آثار اسماعیل سعادت می‌توان به ترجمه کتاب «تلخ‌کامی‌های سوفی» نوشته کنتس دوسگور (۱۳۴۲)، ترجمه کتاب «شیر و جادوگر» و همچنین «کودکان وحشی» نوشته ژرژ بلون که در سال ۱۳۵۱ در ماهنامه آموزش‌وپرورش منتشر شده است، اشاره کرد. کتاب «در آسمان» ترجمه سعادت، در دوره نوزدهم انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان کتاب سال برگزیده شد.

سعادت پس از فارغ‌التحصیل‌شدن از دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۲۲ مطابق تعهدی که بر عهده داشت، در سمت آموزگاری در تهران به خدمت وزارت فرهنگ آن زمان درآمد. هم‌زمان با تدریس، امتحان ششم ادبی را به‌طور داوطلب گذراند و پس از توفیق در امتحان، در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در رشته زبان فرانسه نام‌نویسی کرد. با استفاده از ساعات فراغت از تدریس، سال‌های تحصیل در دانشکده را با موفقیت گذراند و در سال ۱۳۳۱ فارغ‌التحصیل شد. سپس ۲۰ سال، در دبیرستان‌های مختلف درس داد. همکاری خود را با مرکز انتشارات آموزشی، سال‌ها پس از انتشار نخستین ترجمه‌اش، «زندگی میکل‌آنژ» آغاز کرد. پیش از آن، همراه تدریس در دبیرستان‌ها، با بنگاه ترجمه و نشر کتاب که تازه تأسیس شده بود، همکاری داشت. این همکاری هفت سال ادامه پیدا کرد. سعادت در اوایل تأسیس مرکز تهیه مواد خواندنی برای نوسوادان در سال ۱۳۴۳ از کادر دبیری وزارت آموزش‌وپرورش به این مرکز منتقل شد. در آن زمان در آنجا فقط یک مجله به نام «پیک دانش‌آموز» و یک مجله هم به نام «پیک معلم و خانواده» تهیه و منتشر می‌شد. بعدها به‌تدریج مجله‌های «پیک کودک» و «پیک نوآموز» به آنها اضافه شد. او عهده‌دار سردبیری مجله «پیک دانش‌آموز» شد. سعادت پس از انقلاب به مرکز نشر دانشگاهی منتقل شد.

در سال ۱۳۷۸ که به عضویت پیوسته فرهنگستان انتخاب شد، سرپرستی دانشنامه زبان و ادب فارسی را بر عهده گرفت. در سال ۱۳۹۶ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتاب «مروارید اندیشه»، مصاحبه تاریخ شفاهی با اسماعیل سعادت، حاصل گفت‌وگویی پنج‌ساعته با این مترجم و ویراستار برجسته و چهره ماندگار زبان و ادب فارسی را منتشر کرد. این کتاب هفت فصل دارد که خانواده، مکتب‌خانه، مدرسه ابتدایی، دبیرستان، دانشسرا، فراگیری زبان فرانسه، آغاز تحصیلات دانشگاهی، انتشار نخستین ترجمه‌ها، فن ترجمه، متون فلسفی، بنگاه ترجمه و نشر، مؤسسه فرانکلین، فن ویرایش، رشته زبان‌شناسی، فرهنگستان ادب، دانشنامه زبان فارسی و فرهنگ آثار، فصول مختلف آن را تشکیل می‌دهد. کتاب علاوه بر مقدمه و یادداشت ناشر، چهار پیوست کارنامه، گزیده تصاویر، نمایه و کتابنامه دارد.

سعادت در طول شش دهه از عمر خود آثار بسیاری را به فارسی (عمدتا از فرانسه) ترجمه و ویرایش کرد. برخی از این آثار عبارت‌اند از: زندگی میکل‌آنژ، رومن رولان (ترجمه)؛ تلخ‌کامی‌های سوفی، کنتس دوسگور (ترجمه)؛ ایزابل، آندره ژید (ترجمه)؛ کشفیات نوین در روان‌پزشکی، کلیفورد آلن (ترجمه)؛ شیر و جادوگر، سی. اس. لویس (ترجمه از متن انگلیسی)؛ عصر بدگمانی، ناتالی ساروت (ترجمه)؛ اخلاق، جورج ادوارد مور (ترجمه از متن انگلیسی)؛ بخشی از سیر فلسفه در جهان اسلام، ماجد فخری (ترجمه از متن انگلیسی)؛ از وولف تا کانت، بخش اول از جلد ششم تاریخ فلسفه، فردریک کاپلستون (ترجمه از متن انگلیسی)؛ کتاب تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، پل لویا (ترجمه)؛ مونتنی، پیتر برک (ترجمه از متن انگلیسی)؛ سرود نیبلونگن (ترجمه)؛ رساله در اصلاح فاهمه، اسپینوزا (ترجمه)؛ اسپینوزا، راجر اسکروتن (ترجمه)؛ در کون و فساد، ارسطو (ترجمه)؛ در آسمان، ارسطو (ترجمه)؛ ژان غرغرو و ژان خنده‌رو، کنتس دوسگور (ترجمه)؛ مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، شیخ بوعمران (ترجمه)؛ تاریخ فلسفه قرن هجدهم، امیل بریه (ترجمه)؛ خطابه، ارسطو (ترجمه)؛ گفتارهایی درباره رسالت دانشمند، یوهان گوتلیب فیشته (ترجمه)؛ آثار علوی، ارسطو (ترجمه)؛ دانشنامه زبان و ادب فارسی در ۷ مجلد (طرح، مقدمه، ویرایش نهایی، سرپرستی).

مهم‌ترین آثار سعادت در حوزه فلسفه ترجمه آثار مهم ارسطو است: «در کون و فساد»، «در آسمان» و «آثار علوی». سعادت به دنبال ترجمه سه اثر از ارسطو، نهایتا «خطابه» را نیز به فارسی برگرداند. ارسطو رساله خطابه خود را در اواسط قرن چهارم نوشت، اما درباره آن در عصر جدید بیش از روزگار باستان و قرون وسطی تحقیق شده است. هرچند قلمرو خطابه ارسطو به شیوه گفتار در برابر جمع است، ولی نگاه وسیع او مسائل فلسفه و حکومت و تاریخ و اخلاق و ادبیات را هم دربر می‌گیرد. سعادت در مراسم رونمایی این اثر مهم درباره آن سخنانی گفت که می‌توان چکیده رویکرد و نگاهش به ترجمه و اخلاق فروتنانه او را در آن یافت: «معروف است که می‌گویند همه‌کس معمولا در جست‌وجوی یافتن چیزی است که ندارد. البته مراد، چیز خوب است، مثلا طلب دانش و بزرگی. شاید من نیز ترجمه این کتاب را از همین روی سراغ گرفته‌ام، به‌دنبال یافت نداشته‌ام بوده‌ام؛ یعنی توانایی سخن‌گفتن و سخن‌راندن. سال‌ها با این کتاب سروکار داشته‌ام و مدت‌ها در جست‌وجوی فهم دشواری‌های آن، برای انتقالش به زبان فارسی، صرف وقت کرده‌ام، با این همه به آنچه مدنظر داشته‌ام، نرسیده‌ام و همچنان چون پیشین ناتوانم و چنان که می‌بینید خطیب و سخنور نشده‌ام. ما این دست کتاب‌ها را به‌منظور دریافتن و آموختن چیزهایی از دانش هزار و چند صد سال پیش نمی‌خوانیم و ترجمه نمی‌کنیم؛ به‌ویژه کتاب‌های ارسطو را نمی‌خوانیم، برای اینکه دریابیم، شهاب ثاقب، ستاره دنباله‌دار، باران، مه، برف و تگرگ چگونه حادث می‌شوند، بلکه به‌دنبال دانستن چگونگی تبیین این پدیده‌ها در قرون پیشین، آنها را می‌خوانیم؛ ازاین‌رو صحت و سقم نظریات آنها خالی از اعراب است. به‌طورکلی در پی آگاهی از تاریخ تفکر بشری در مقاطع مختلف هستیم. آثاری که درباره تفکر بشری نوشته شده، میراث علمی و فرهنگی فرهنگ‌های مختلف است. ترجمه آنها به هر زبانی که صورت گیرد، به غنای آن زبان کمک می‌کند. دریغ است زبانی به قدمت و غنای زبان فارسی از داشتن چنین ترجمه‌هایی محروم باشد. این امر محرکی در برگزیدن خطابه برای ترجمه بود. جای شگفتی است که پس از گذشت این همه سال از آشنایی فرهنگ ایرانی و اسلامی با یکی از بزرگ‌ترین متفکران جهان همچنان برخی از آثار او به زبان فارسی ترجمه نشده است؛ مقصودم ارسطو فیلسوف بزرگ یونانی است که فلسفه او سهمی بسزا در شکل‌گرفتن تفکر فلسفی اسلامی داشته است و به همین سبب در جهان اسلام به او لقب معلم اول داده‌اند. من با بضاعت علمی ناچیز خود، پیش از این سه رساله دیگر ارسطو، «در کون و فساد»، «در آسمان» و «آثار علوی» را به فارسی برگردانده‌ام و «خطابه»، چهارمین آنهاست».

> **یکی از کمبودهای جامعه ما در عرصه فرهنگی عدم ترجمه متون کلاسیک به زبان فارسی است. به نظر من ترجمه این متون نیاز به یک اهتمام ملی دارد. زمانی یک دانشمند ژاپنی گفته بود لااقل تا پایان قرن ۱۹ همه متون کلاسیک به زبان ژاپنی ترجمه شده‌اند، درحالی‌که در ایران، ما حتی ترجمه اثر ابن‌سینای خودمان را هم به فارسی نداریم. فلسفه ما تا حدود زیادی وابسته به فلسفه ارسطو است، با این همه هنوز بسیاری از آثار ارسطو هم ترجمه‌نشده باقی مانده است. باید در ایران نهضتی در جهت ترجمه این آثار ایجاد شود**

از آثار مهم دیگری که سعادت ترجمه کرد، چند جلد از «تاریخ فلسفه» اثر امیل بریه بود. سخنرانی سعادت در مراسم رونمایی این اثر نیز حاوی دیدگاه او درباره کمبود ترجمه متون کلاسیک به فارسی و لزوم شکل‌گیری نهضت ترجمه در ایران است: «من چون دعوای فلسفه‌دانی ندارم، هدفم از ترجمه این کتاب تعلیم فلسفه نبود و صرفا به جهت علاقه شخصی و اینکه دوست دارم آنچه می‌فهمم به دیگران هم منتقل کنم، صورت گرفت. فکر می‌کنم یکی از کمبودهای جامعه ما در عرصه فرهنگی عدم ترجمه متون کلاسیک به زبان فارسی است. به نظر من ترجمه این متون نیاز به یک اهتمام ملی دارد. زمانی یک دانشمند ژاپنی گفته بود که لااقل تا پایان قرن ۱۹ همه متون کلاسیک به زبان ژاپنی ترجمه شده‌اند، درحالی‌که در ایران، ما حتی ترجمه اثر ابن‌سینای خودمان را هم به فارسی نداریم. فلسفه ما تا حدود زیادی وابسته به فلسفه ارسطو است، با این همه هنوز بسیاری از آثار ارسطو هم ترجمه‌نشده باقی مانده است. باید در ایران نهضتی در جهت ترجمه این آثار ایجاد شود. در زمان وزارت مهندس میرسلیم قرار شد سازمانی تأسیس شود که آثار کلاسیک را به فارسی ترجمه کند ولی نیمه‌کاره رها شد. ما امروزه درباره آثار کلاسیک مقاله می‌نویسیم درحالی‌که خود متن را در اختیار نداریم؛ یعنی کسی که در فرانسه یا انگلیس به زبان خودش متن را در اختیار دارد، از درک بهتری نسبت به موضوع برخوردار است تا ما. مثلا یک دانشجوی فرانسوی رشته فلسفه به متافیزیک ابن‌سینا به زبان خودش دسترسی دارد ولی دانشجوی خودمان دسترسی به همین کتاب به زبان خودش ندارد. من به سهم خودم فکر کردم که بد نیست تا جایی که بضاعتم اجازه می‌دهد، سعی کنم وقتم را صرف این کار نمایم، به همین دلیل سراغ بریه رفتم».

به گفته جمیع دوستان و استادان، سعادت شخصیتی ظریف، حساس، نجیب، مبادی آداب، مهربان و فروتن داشت که جدیت، ژرف‌بینی و سعه صدر تنها گوشه‌ای از سجایای اخلاقی این الگوی شایسته تحقیق محسوب می‌شود. او که در ۱۳۰۴ در خوانسار متولد شد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و سال سوم دبیرستان را در اصفهان طی کرد. پس از آن، در سال ۱۳۲۲ در دانشسرای مقدماتی گلپایگان و سال بعد در دانشسرای مقدماتی تهران تحصیل کرد. سپس به تدریس در مدارس تهران مشغول شد. در سال ۱۳۲۷ وارد رشته زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران شد و دانشنامه لیسانس گرفت. در سال ۱۳۳۴ نخستین ترجمه وی یعنی زندگی میکل‌آنژ اثر رومن رولان منتشر شد و جایزه ترجمه سال مجله سخن را دریافت کرد. سپس به همکاری با بنگاه ترجمه و نشر کتاب پرداخت و هفت سال در این بنگاه به ترجمه و ویراستاری آثار فلسفی و ادبی مشغول بود. پس از آن، وارد مؤسسه انتشارات فرانکلین شد و در مرکز تهیه مواد خواندنی برای نوسوادان (بعدا: مرکز انتشارات آموزشی)، سردبیری بعضی از مجلات پیک و سپس معاونت آموزشی مرکز را بر عهده گرفت. همچنین، به ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران پرداخت که به سبب سفرش به پاریس جهت استفاده از بورس یونسکو ناتمام ماند. علاوه بر این، در سال ۱۳۶۹ به عضویت شورای عالی ویرایش زبان فارسی سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران درآمد. در سال ۱۳۷۷، به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب نائل شد و در سال ۱۳۷۸ سرپرستی گروه دانشنامه زبان و ادب فارسی را بر عهده گرفت و تدوین مجلدات (شش جلد) این دانشنامه زیر نظر او به پایان رسید. همچنین جزء اعضای هیئت علمی ترجمه فرهنگ آثار بود و بیشترین مقالات این فرهنگ را از زبان فرانسه ترجمه کرد. در کنار تدریس، ترجمه و فعالیت‌های علمی متعدد، سرپرستی تدوین دانشنامه زبان و ادب فارسی از کارهای مهم سعادت بود. او سال‌ها سردبیری مجله معارف، از نشریات مرکز نشر دانشگاهی را بر عهده داشت و نیز مقالات بسیاری را به رشته تحریر درآورد که در نشریات مختلف چاپ و منتشر شده است. همچنین شماری از آثار برجسته ادبی و فلسفی معاصر را ترجمه کرده است. برشمردن فهرست ترجمه‌ها و نوشته‌ها و نیز گزارش دیگر فعالیت‌های مطبوعاتی و فرهنگی اسماعیل سعادت کاری دشوار است. او از همکاران برخی از نشریات آموزشی و از پیش‌کسوتان امر ویرایش و ویراستاری کشور بود. اجمالا باید گفت که بیش از ۲۵ ترجمه به‌صورت کتاب و نیز شمار قابل توجهی مقاله به‌صورت ترجمه و تألیف را می‌توان در کارنامه سعادت بازشناخت. سعادت از استادان ترجمه و ویراستاری و یکی از برجسته‌ترین و اثرگذارترین شخصیت‌های علمی و فرهنگی روزگار ما بود که بیش از شش دهه عمر گرانبهای خود را در راه خدمت به زبان و ادبیات و فرهنگ ایران گذرانید. کارنامه پربار او از ترجمه و ویراستاری گرفته تا سردبیری نشریات، عضویت در مجامع فرهنگی و کتاب‌های مرجع، مبین فعالیت‌های مستمر ادبی و فرهنگی اوست. بی‌شک، نثر فارسی برخی از آراستگی‌های خود را وامدار اسماعیل سعادت است و آثار ارزشمند او به‌عنوان میراث گرانبهایی برای آیندگان باقی خواهد ماند.

ادامه از صفحه ۶

بلندپروازی‌های محمد بن زاید برای تسلط بر ۷ امارت
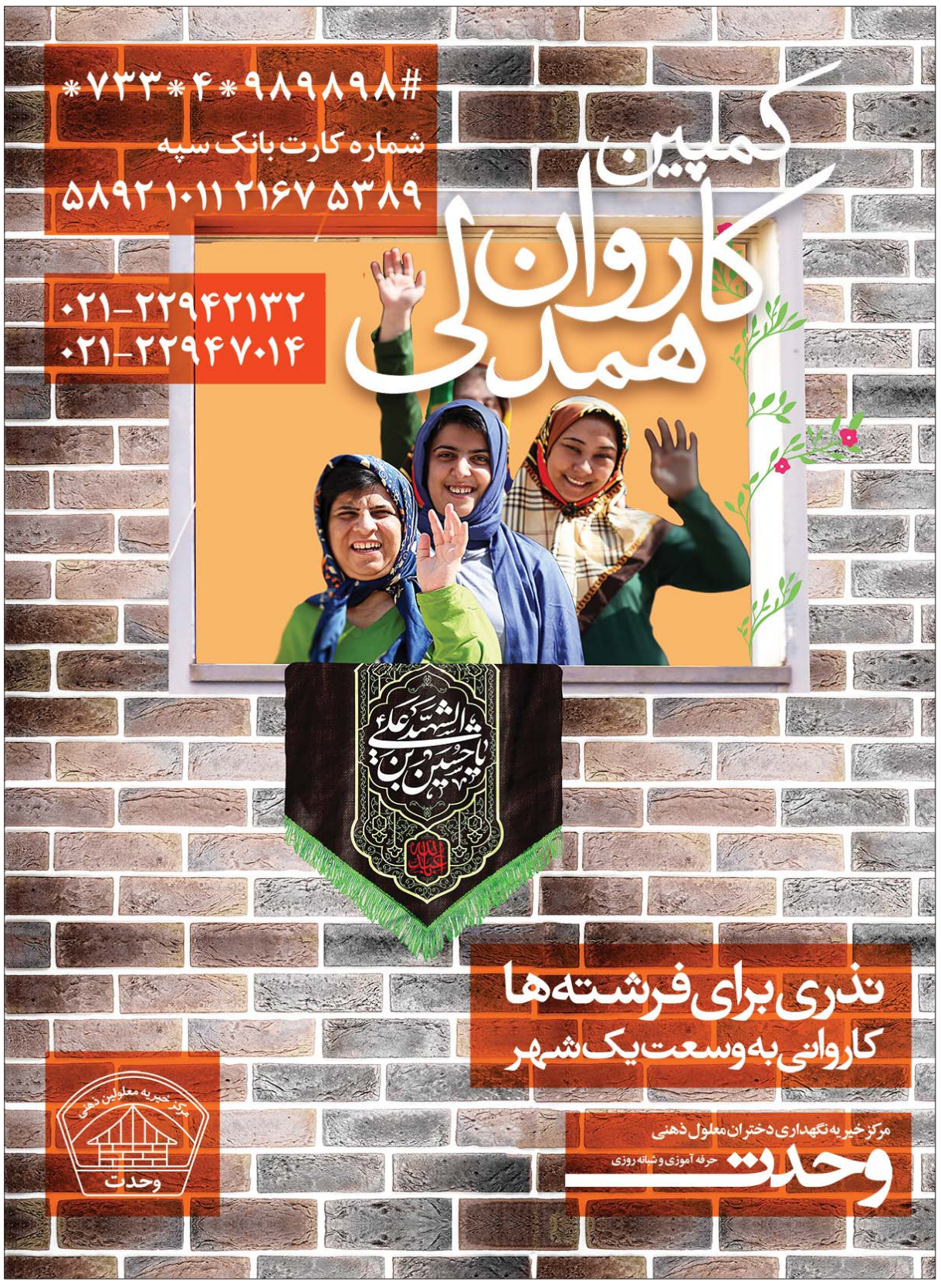
باید به کسی امتیاز می‌داد که به فلسطینی‌ها تمایل داشته یا بی‌طرف باشد؛ نه ترامپی که تخته‌گاز از نتانیاهو و رژیم صهیونیستی دفاع می‌کند و همین دفاع‌ها باعث شده خیز بردارند و کرانه باختری را هم ضمیمه کنند. حالا محمد بن‌زاید می‌گوید این تصمیم را برای این گرفته که این بخش را ضمیمه نکنند که نتانیاهو گفت فعلا تعلیق شده است؛ اما به نظر من حرکت پخته و تعیین‌کننده‌ای نبود و تبعاتی منفی دارد؛ ازجمله منافع حداکثری هیچ کشوری در راهی نیست که حساسیت‌های حداکثری همسایگانش را برانگیزد که اماراتی‌ها با این قرارداد این کار را کردند. چه‌بسا در آینده باید منتظر وقوع اتفاقاتی در داخل امارات باشیم که به ضرر مردم و حکومت این کشور است و هر کشوری باید تلاش کند ثبات حداکثری برای مردم خودش به وجود بیاورد. مواردی که ممکن است نکات منفی باشد، افزایش اختلاف‌های درونی حکام است، به‌نوعی درگیری ایران و رژیم صهیونیستی را به داخل امارات می‌کشاند، مشکلات زیادی را برای وزارت داخلی و منطقه‌ای فراهم می‌کند، ولی به نظرم بیشتر باید به این مسئله توجه کنیم که ترامپ الان اوضاع خوبی ندارد. محمد بن‌زاید علاقه‌مند است ترامپ در دور دوم رأی بیاورد که فشار حداکثری و رویارویی با ایران رقم بخورد و به محمد کمک کند در اختلاف داخلی دست برتر را داشته باشد و بتواند میخ حکومتش را محکم بکوبد. توجه داریم که محمد بن‌زاید ولیعهد، برادر شیخ خلیفه حاکم است؛ اینکه بیمار است یا بیمارش کرده‌اند، مسائلی است که در امارات می‌گذرد. در پایان اینکه امارات نه از موقعیت جغرافیایی و تنگناهای ناشی از آن رنج می‌برد و نه مشکل اقتصادی و مالی دارد که بخواهد به جاه‌طلبی‌های سیاسی و ژئوپلیتیک دست بزند؛ الا اینکه محمد بن‌زاید می‌خواهد سیاست و حکومت یکدستی در کشور داشته باشد و بساط امارت‌های هفت‌گانه را برچیده و حاکم بلامنازع شود و می‌خواهد از این جهت تحت‌الحمایه ترامپ و آمریکا باشد. این کل قضیه است. جاه‌طلبی‌ها و حضور فرامنطقه‌ای امارات، قسمتی که به توسعه و نوسازی جامعه امارات کمک می‌کند خیلی خوب است، اما قسمت‌هایی که به‌نوعی صدای دهل اختلاف بین ایران و رژیم صهیونیستی یا ایران و کشورهای منطقه را برجسته می‌کند، نباید مورد غفلت ما باشد و باید سعی کنیم تا حد ممکن اجازه ندهیم ترامپ و رژیم صهیونیستی در طراحی این اقدام موفق باشند.